

(وَ مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:) فَبَعَثَ مُحَمَّدًا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ إِلَى عِبَادَتِهِ، وَ مِنْ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ إِلَى طَاعَتِهِ، بِقُرْآنٍ قَدْ بَيَّنَّهُ وَ أَحْكَمَهُ لِيَعْلَمَ الْعِبَادُ رَبَّهُمْ إِذْ جَهِلُوهُ، وَ لِيُقَرُّوا بِهِ بَعْدَ إِذْ جَحَدُوهُ، وَ لِيُشَبِّتُوهُ بَعْدَ إِذْ أَنْكَرُوهُ فَتَجَلَّى لَهُمْ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونُوا رَأَوْهُ بِمَا أَرَاهُمْ مِنْ قُدْرَتِهِ، وَ خَوْفِهِمْ مِنْ سَطْوَتِهِ وَ كَيْفَ مَحَقَّ مَنْ مَحَقَّ بِالْمَثَلَاتِ، وَ احْتَصَدَّ مَنْ احْتَصَدَّ بِالنِّقَمَاتِ.

وَ إِنَّهُ سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِي زَمَانٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ أَخْفَى مِنَ الْحَقِّ، وَ لَا أَظْهَرَ مِنَ الْبَاطِلِ، وَ لَا أَكْثَرَ مِنَ الْكُذْبِ عَلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ لَيْسَ عِنْدَ أَهْلِ ذَلِكَ الزَّمَانِ سِلْعَةٌ أَبْوَرَّ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا تُلِيَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ وَ لَا أَنْفَقَ مِنْهُ إِذَا حُرِّفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ، وَ لَا فِي الْبِلَادِ شَيْءٌ أَنْكَرَ مِنَ الْمَعْرُوفِ وَ لَا أَعْرَفَ مِنَ الْمُنْكَرِ. فَقَدْ نَبَذَ الْكِتَابَ حَمَلْتُهُ، وَ تَنَاسَاهُ حَفَظْتُهُ، فَالْكِتَابُ يَوْمَئِذٍ وَأَهْلُهُ مَنْفِيَّانِ طَرِيدَانِ، وَ صَاحِبَانِ مُصْطَحِبَانِ فِي طَرِيقٍ وَاحِدٍ لَا يُؤْوِيهِمَا مُؤْوٍ فَالْكِتَابُ وَأَهْلُهُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ فِي النَّاسِ وَ لَيْسَا فِيهِمْ، وَ مَعَهُمْ وَ لَيْسَا مَعَهُمْ، لِأَنَّ الضَّلَالَةَ لَا تُوَافِقُ الْهُدَى وَ إِنِ اجْتَمَعَا، فَاجْتَمَعَ الْقَوْمُ عَلَى الْفُرْقَةِ وَ افْتَرَقُوا عَنِ الْجَمَاعَةِ. كَانَتْهُمْ أَيْمَةُ الْكِتَابِ وَ لَيْسَ الْكِتَابُ إِمَامَهُمْ!! فَلَمْ يَبْقَ عِنْدَهُمْ مِنْهُ إِلَّا اسْمُهُ، وَ لَا يَعْرِفُونَ إِلَّا خَطَّهُ وَ زُبْرَهُ وَ مِنْ قَبْلُ مَا مَثَلُوا بِالصَّالِحِينَ كُلِّ مِثْلَةٍ، وَ سَمَوْا صِدْقَهُمْ عَلَى اللَّهِ فَرِيَةً، وَ جَعَلُوا فِي الْحَسَنَةِ الْعُقُوبَةَ السَّيِّئَةَ. وَ إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِطُولِ أَمَالِهِمْ، وَ تَغْيِبِ

اجالِهِمْ، حَتَّى نَزَلَ بِهِمُ الْمَوْعُودُ الَّذِي تُرَدُّ عَنْهُ الْمُعْذِرَةُ، وَ تَرْفَعُ عَنْهُ التَّوْبَةُ، وَ تَحُلُّ مَعَهُ الْقَارِعَةَ وَ النَّقِمَةَ.

أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّهُ مَنْ اسْتَصْحَحَ اللَّهَ وَفَّقَ، وَ مَنْ اتَّخَذَ قَوْلَهُ دَلِيلًا هُدًى لِّلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ، فَإِنَّ جَارَ اللَّهِ آمِنٌ وَ عَدُوُّهُ خَائِفٌ، وَ إِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَ عَظَمَةَ اللَّهِ أَنْ يَتَعَظَّمَ، فَإِنَّ رِفْعَةَ الَّذِينَ يَعْلَمُونَ مَا عَظَمْتَهُ أَنْ يَتَوَاضِعُوا لَهُ، وَ سَلَامَةَ الَّذِينَ يَعْلَمُونَ مَا قَدْرَتُهُ أَنْ يَسْتَسْلِمُوا لَهُ، فَلَا تَنْفِرُوا مِنَ الْحَقِّ نِفَارَ الصَّحِيحِ مِنَ الْأَجْرَبِ، وَ الْبَارِيءِ مِنْ ذِي السَّقَمِ. وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرُّشْدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكَهُ، وَ لَنْ تَأْخُذُوا بِمِثَاقِ الْكِتَابِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَقَضَهُ، وَ لَنْ تَمَسَّكُوا بِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَبَذَهُ، فَالْتَمِسُوا ذَلِكَ مِنْ عِنْدِ أَهْلِهِ، فَإِنَّهُمْ عَيْشُ الْعِلْمِ، وَ مَوْتُ الْجَهْلِ، هُمُ الَّذِينَ يُخْبِرُكُمْ حُكْمَهُمْ عَنْ عِلْمِهِمْ، وَ صَمْتُهُمْ عَنْ مَنْطِقِهِمْ، وَ ظَاهِرُهُمْ عَنْ بَاطِنِهِمْ، لَا يُخَالِفُونَ الدِّينَ، وَ لَا يَخْتَلِفُونَ فِيهِ، فَهُوَ بَيْنَهُمْ شَاهِدٌ صَادِقٌ، وَ صَامِتٌ نَاطِقٌ. در هدف از بعثت

فلسفه بعثت پیامبر (ص)

خداوند حضرت محمد (ص) را به حق برانگیخت تا بندگان خود را از پرستش دروغین بتها رهایی بخشیده و به پرستش خود راهنمایی کند، و آنان را از پیروی شیطان نجات داده به اطاعت خود کشاند، با قرآنی که معنی آن را آشکار نمود و

اساسش را استوار فرمود، تا بندگان عظمت و بزرگی خدا را بدانند که نمی‌دانستند، و به پروردگار اعتراف کنند پس از انکارهای طولانی، و او را به درستی بشناسند پس از آنکه نسبت به خدا آشنایی نداشتند. پس خدای سبحان در کتاب خود بی آنکه او را بنگرند خود را به بندگان شناساند، و قدرت خود را به همه نمایاند، و از قهر خود ترساند، و اینکه چگونه با کيفرها ملتی را که باید نبود کند از میان برداشت و آنان را چگونه با داس انتقام درو کرد.

خبر از آینده تاسف بار اسلام و مسلمین

همانا پس از من روزگاری بر شما فرا خواهد رسید که چیزی پنهانتر از حق، و آشکارتر از باطل، و فراوانتر از دروغ به خدا و پیامبرش، نباشد، و نزد مردم آن زمان، کالایی زیانمندتر از قرآن نیست اگر آن را درست بخوانند و تفسیر کنند، و متاعی پرسودتر از قرآن یافت نمی‌شود آنگاه که آن را تحریف کنند و معانی دلخواه خود را رواج دهند. در شهرها چیزی ناشناخته‌تر از معروف، و شناخته‌تر از منکر نیست، حاملان قرآن، را واگذاشته و حافظان قرآن، آن را فراموش می‌کنند، پس در آن روز قرآن و پیروانش از میان مردم رانده و مهجور می‌گردند، و هر دو غریبانه در یک راه ناشناخته سرگردانند، و پناهگاهی میان مردم ندارند، پس قرآن و پیروانش در میان مردمنده اما گویا حضور ندارند، با مردمنده ولی از آنها بریده‌اند، زیرا گمراهی و هدایت هرگز هماهنگ نشوند گرچه کنار یکدیگر قرار گیرند. مردم در آن روز، در جدایی و تفرقه همداستان، و در اتحاد و یگانگی، پراکنده‌اند، گویی آنان پیشوای قرآن بوده و قرآن پیشوای آنان نیست،

پس از قرآن جز نامی نزدشان باقی نماند و آنان جز خطی از قرآن نشناسند، و از این پیش چه کيفرها که بر نیکوکاران روا نداشتند، و سخن راست آنان را بر خدا دروغ پنداشتند، و کار نیکشان را پاداش بد دادند. و همانا آنان که پیش از شما زندگی می‌کردند، به خاطر آرزوهای دراز، و پنهان بودن زمان اجلها، نابود گردیدند، تا ناگهان مرگ وعده داده‌شده بر سرشان فرود آمد، مرگی که عذرها را نپذیرد، و درهای باز توبه را ببندد، و حوادث سخت و مجازاتهای پس از مرگ را به همراه آورد.

پندهای حکیمانه

ای مردم! هر کس از خدا خیرخواهی طلبد، توفیق یابد، و آن کس که سخنان خدا را راهنمای خود قرار دهد به راست ترین راه، هدایت شده است، پس همانا همسایه خدا در امان، و دشمن خدا ترسان است، آن کس که عظمت خدا را می‌شناسد سزاوار نیست خود را بزرگ جلوه دهد، پس بلندی قدر کسانی که بزرگی پروردگار را می‌دانند در این است که برابر او فروتنی کنند، و سلامت آنان که می‌دانند قدرت خدا چه اندازه می‌باشد در این است که برابر فرمانش تسلیم باشند، پس، از حق نگریزید چونان گریز انسان تندرست از فرد (گر) گرفته، یا انسان سالم از بیمار، و بدانید که هیچگاه حق را نخواهید شناخت جز آن که ترک کننده آن را بشناسید. هرگز به پیمان قرآن وفادار نخواهید بود مگر آنکه پیمان‌شکنان را بشناسید، و هرگز به قرآن چنگ نمی‌زنید مگر آن که رهاکننده آن را شناسایی کنید. پس رستگاری را از اهل آن جستجو کنید، که اهل

بیت پیامبر (ص) رمز حیات دانش، و راز مرگ جهل و نادانی هستند، آنان که حکمتشان شما را از دانش آنان و سکوتشان از منطق آنان، و ظاهرشان از باطنشان، اطلاع می‌دهد، نه با دین خدا مخالفتی دارند، و نه در آن اختلاف می‌کنند، دین در میان آنان گواهی صادق، و ساکتی سخنگوست.